

## بررسی ویژگی‌های سبک هندی در آثار احمد عزیزی

دکتر خورشید نوروزی<sup>۱</sup>

### چکیده

احمد عزیزی از شاعران کرمانشاهی دوره انقلاب اسلامی است که آثارش علاوه بر موضوع و محتوای آیینی، مذهبی و انقلابی و مضامین نقد اجتماعی و سیاسی، از نظر سبک کلام نیز قابل مطالعه و تأمل است. عزیزی در آثارش که به چهار دسته غزل، مثنوی، نثر و اشعار متفرقه (دوبیتی، چارپاره، رباعی و شعر نو) قابل تقسیم است، خواسته یا ناخواسته، کم و بیش متأثر از سبک هندی و خصوصیات منحصر به فرد آن است:

در غزل‌های این شاعر که ادبی‌ترین و متعالی‌ترین اشعارش را پدید آورده است، ویژگی‌های مختلف سبک هندی از جمله مضامین تازه، ابداع ترکیبات نو، کاربرد واژگان پر بسامد سبک هندی، اصطلاحات روزمره جامعه، ایجاز و استقلال معنوی ابیات به وضوح قابل رویت است؛

در نثر احمد عزیزی آنچه از مشخصات سبک هندی متجلی شده است، اصرار بر آوردن معانی غریب و مضامین ناآشنا، انحراف از هنجارهای زبانی متعارف، بازی با کلمات، کاربرد نامانوس صور خیال به ویژه استعارات دور از ذهن، توجه به اصطلاحات روزمره و لغات و عبارات عامیانه، ایجاز و استقلال معنوی جملات است؛

در مثنوی‌هایش که بیشترین حجم آثارش را به خود اختصاص داده است، ابعاد سبک هندی، جز در یک مورد مجال ظهور و نمایش نیافته است: آن هم استقلال معنوی مصرع‌ها و گریز از پیوند عمودی شعر است که با توجه به ظرفیت قالب مثنوی و پیشینه کاربرد آن، که معمولاً برای روایت‌ها و حکایت پردازی‌ها مناسب است، استعمال بدیع و دور از انتظار دارد. عزیزی در مثنوی، بیشتر پیرو سبک عراقی است.

شاعر، در شعر نو نیز ذوق آزمایی نموده است و با وجود حجم کم این سروده‌های موفق، می‌توان خصوصیات سبک هندی را به صورت تلطیف شده در آن ملاحظه نمود.

نکته آخر آن که برخی مختصات سبک هندی از جمله تکرار قافیه، انتخاب ردیف‌های دشوار و طولانی، توجه به خرافات و باورهای عامیانه، اسلوب معادله و توجه به تمثیلات و ارسال المثل‌ها، اگر چه از مهمترین ویژگی‌های سبک هندی محسوب می‌شود، در شعر و نثر عزیزی چندان مورد توجه نبوده است.

واژگان کلیدی: احمد عزیزی، شعر معاصر، نثر معاصر، غزل، مثنوی، سبک هندی، مختصات شعری

### مقدمه

هم زمان با ابتدال و انحطاط سبک عراقی در شعر، بنا به برخی عوامل سیاسی - اجتماعی در عهد صفویه، از جمله توجه پادشاهان صفوی به تشیع و علاقه آنان به خاندان نبوت و اهل بیت و طهارت (ع)، شعر آن دوره ابزاری برای تبلیغ مذهبی، به ویژه مرثیه سرایی قرار گرفت و قصیده و غزل و مثنوی با مضامین دیگر از رواج افتاد؛ شعر از دربارها با محتوای مدح و با بار تکلف و اظهار فضل به بطن بی تکلف جامعه سرریز شد و رنگی عوامانه و گاه ضعیف و متزلزل به خود گرفت؛ برخی از شاعران، دلنگ از بی مهری شاهان صفوی، با اطلاع از استقبال دربار هند از سخنوران ایران، با بارقه‌های امید در دل، رهسپار آن دیار گشتند و اشعاری با خصوصیات ممتاز سرودند که بعدها سبک هندی بدان اطلاق شد.

مهمترین ویژگی‌های سبک هندی به اختصار عبارتند از:<sup>۲</sup>

مضمون پردازی‌های غریب و بی سابقه‌ی ناشی از باریک اندیشی، نکته سنجی و رقت خیال، خلق صور خیال بدیع اعم از استعاره، تشبیه، تشخیص، مجاز، کنایه و اغراق، ابداع ترکیبات نو، افزونی تصاویر پارادوکسی،

Email: noroozirey@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهر ری

۲- درباره سبک هندی و مختصات آن به همراه شواهد و قرائن، مطالعه منابع زیر متضمن فایده هست:

- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، جلد ۵، بخش اول، ص ۵۲۱-۵۷۵

- شاعر آیین‌ها، شفیع کدکنی، ص ۳۷-۹۲

- بیدل، سپهری و سبک هندی، حسینی، ص ۱۴-۵۶

حس آمیزی، استفاده از الفاظ و اصطلاحات عوامانه به حد وفور، انعکاس تجارب شخصی و روزمره، رواج خرافات و حکمت عامیانه، استقلال معنوی ابیات، تکرار قافیه و استفاده از بحرهای عروضی طولانی و کم کاربرد، کاربرد فراوان دو بحر رمل و مضارع، انتخاب ردیف‌های دشوار، ایجاز و حذف رابطه‌های میان طرفین تشبیه، قَلت استفاده از اشارات و تلمیحات قرآنی، کاربرد فراوان تمثیل، ارسال مثل و اسلوب معادله<sup>۱</sup> و...

شاعرانی چون کلیم کاشانی، طالب آملی، صائب تبریزی و بیدل دهلوی، سرآمد سخنوران سبک هندی اند که ردپای «طرز تازه» آنان تا به امروز نیز در شعر معاصرانمان تجلی یافته است و تاثیر کم و بیش بسیاری از شاعران امروز از برخی خصوصیات سبک هندی، واقعیتی انکار ناپذیر است. با وجود پدیدار شدن ضعف و سستی‌های بسیار در پیکره سبک هندی به سبب افراط‌های ناموجه و تصنعی شاعران در استعمال شاخصه‌های سبک هندی و انتقاد شاعران دوره بازگشت ادبی از کاستی‌های این سبک، هم چنان حیات طبیعی، تدریجی و تعدیل یافته‌ی سبک مذکور، در شعر شاعران معاصر از جمله سهراب سپهری، امیری فیروزکوهی، رهی معیری، احمد عزیزی و بسیاری دیگر، قابل مشاهده و مایه غنی سازی زبان و ادبیات عصر حاضر است.

در مقاله حاضر سعی بر آن بوده تا کم و کیف و میزان انطباق آثار منظوم و منثور احمد عزیزی با مختصات سبک هندی بررسی شود و انعکاس خصوصیات این سبک در سروده‌ها و نوشته‌های وی همراه با شواهد و قرائن نشان داده شود.

احمد عزیزی متولد ۱۳۳۷ شمسی در سر پل ذهاب استان کرمانشاه، از شاعران مطرح و پرکار دوره انقلاب اسلامی است که مثنوی سرایی وی از نظر کمیت بر غزل گویی او پیشی گرفته است و از نظر رعایت دقایق ادبی، شیوه بیان و امتیازهای ادبی و هنری، غزل هایش را مقامی برتر از مثنوی‌های اوست. عزیزی، ذوق خویش را در نثر، شعر نو و چارپاره نیز آزموده است و در این وادی‌ها نیز آثار ارزشمند و تامل برانگیزی به یادگار نهاده است. او حتی سروده‌هایی به زبان محاوره نیز در مجموعه‌های شعری خود دارد<sup>۲</sup> و گهگاه نیز مانند شاعران دیگر، عواطف و احساسات شخصی خویش را به رشته نظم و نثر در آورده است. محتوای اشعارش را می‌توان در درجه نخست در ردیف اشعار آئینی، مذهبی و انقلابی، سپس انتقادی، اجتماعی و سیاسی تعبیه کرد؛ از سویی نمی‌توان منکر وجود بُن مایه‌های فلسفی ساده و و به قول سهراب سپهری «فلسفه‌های لاجوردی» در آثار او گشت؛ رنگ فلسفی آثارش به دور از آرایش‌های ثقیل مدرسه‌ای و مکتب خانه‌ای است و تنها باید آن را در یقین خانه دل جستجو کرد:

خدا جز خاک ماوایی ندارد	خدا در ما صداقت می‌نشاند
خدا نسل زمین را دوست دارد	خدا ما را به پاکی می‌کشاند
بیا در چشم حیرت مات باشیم	خدا زیتون و تین را دوست دارد
(خوابنامه و باغ تناسخ، ص ۳۲) <sup>۲</sup>	بیا آیین‌های از ذات باشیم

علاوه بر اینها، کلام عزیزی در شعر و نثر، گاه به طنز و هجو و طیبت نیز آمیخته گشته است:

کتاب کوچک اسرار حوری	بخیر از انتشارات طهوری
بگیر از دست شهبانو حواله	فروزانفر شدی با این مقاله...
	(ترانه‌های ایلایی، ص ۱۳۳)

۱- اسلوب معادله، اصطلاح بر ساخته شفیعی کدکنی است برای مواردی که دو مصرع کاملاً از نظر نحوی مستقل باشند و هیچ حرف ربط و شرطی آنها را به هم مرتبط نکند؛

ریشه نخل کهنسال از جوان افزون تر است بیشتر دل بستگی باشد به دنیا پیر را

۲- به عنوان مثال مثنوی «کودکی تصنیف» و چارپاره «شیون ترانه» در مجموعه شعری «باران پروانه»

۳- با توجه به انتشار چند کتاب از احمد عزیزی در یک سال، برای ارجاع آسان تر به منابع در درون متن مقاله، به جای نام مولف و سال تالیف، در پرانتز، نام کتاب و شماره صفحه ذکر شده است.

و یا در کتاب «واژه نامه ابدی»، در معنی انگور آمده است: میوه‌ای است از میوه‌های دوزخ، با شرابی آتشین و شراری جگرسوز... انگور! ای دوشیزه آتش و ای حرارت رگ‌های عشق، ای برگ عربانی آدم، ای لب‌های آتشین تاک، ای مخیله خم... ای خواهر رز، ای مادر مستی، ای پردگی پیاله، ای ماهروی خیمه خیام، ای دوشینه گلگون حافظ، ای بادام چشم بیدل، دیربست در کنار تو... چون خرم‌دین سرسبز نخواستیدم (واژه نامه ابدی، ص ۹۰).

آثار احمد عزیزی به چهار دسته غزل‌ها، مثنوی‌ها، آثار منشور و اشعار متفرقه شامل چارپاره و شعر نو قابل تقسیم است که در قالب کتاب‌هایی چون شرحی آواز، ۱۳۶۸ (مثنوی در بحر رمل)، روستای فطرت، ۱۳۶۸ (مجموعه شعر از غزل، دوبیتی پیوسته، شعر نو)، کفش‌های مکاشفه، ۱۳۶۹ (مثنوی در بحر رمل مسدس محذوف)، باران پروانه، ۱۳۷۱ (مجموعه‌ای از شعر نو+ مثنوی‌های مختلف‌الوزان + چهارپاره)، خوابنامه و باغ تناسخ، ۱۳۷۱ (دو مثنوی جداگانه؛ خوابنامه در بحر متقارب و باغ تناسخ در بحر هزج)، عطر گل یاس، ۱۳۷۲ (مثنوی در بحر رمل مسدس محذوف)، ملکوت تکلم، ۱۳۷۲ (مجموعه مثنوی‌هایی مجزا در بحر سریع و هزج و رمل+ غزلیات)، ترانه‌های ایلیایی، ۱۳۷۲ (مثنوی در بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور)، غزالستان، ۱۳۷۵ (غزل‌هایی در بحر مختلف عروضی)، شبنم‌های شبانه، ۱۳۸۲ (مثنوی‌های مختلف در بحر رمل مسدس محذوف)، قوس غزل، ۱۳۸۶ (غزل‌هایی با اوزان گوناگون)، طغیان ترانه، ۱۳۸۷ (مثنوی در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف)، نافله ناز (شطیحات)، ۱۳۶۸ (نثر)، ترجمه زخم، ۱۳۷۰ (نثر)، رودخانه دریا، ۱۳۷۱ (نثر)، واژه نامه ابدی، ۱۳۷۵ (نثر)، شطحی برای زندگی، ۱۳۸۸ (نثر) و ... چاپ و منتشر شده است.<sup>۱</sup>

قبل از ورود به مبحث اصلی جلوه‌گری سبک‌های هندی در آثار عزیزی، ذکر نکاتی کلی درباره آثار منظوم و منشور وی و انتخاب قالب و محتوای آثارش خالی از فایده نیست:

مثنوی: با توجه به کثرت حجم اشعار این شاعر در قالب مثنوی نسبت به قالب شعری دیگر و در مقایسه با کل اشعار سروده شده، همچنین تعدد مجموعه‌های شعری منتشر شده‌اش در این قالب، می‌توان وی را در ردیف شاعران مثنوی سرای معاصر قرار داد. وی نخستین بار با سرودن مثنوی‌های کفش‌های مکاشفه و شرحی آواز، نامش را در ادبیات معاصر وارد نمود و سپس با تکیه و نظر بر آثار عطار، نظامی گنجوی، مولانا، سعدی، حافظ و دیگر شاعران سبک عراقی<sup>۲</sup> و تداوم در این شیوه با انتخاب آگاهانه و اختیاری محتوا و مضامین مذهبی و انقلابی، شعر و نام هنری اش را در صفحه ادبیات انقلاب اسلامی ثبت و ضبط کرد. سادگی زبان و صمیمیت کلام، از مهمترین خصوصیات مثنوی‌های عزیزی است:

شاخه‌ها شبنم فشانی می‌کنند	شاپرک‌ها شادمانی می‌کنند
باز بهمن کوه را در بر گرفت	قله را روح خمینی در گرفت
انقلاب ما جهان را تازه کرد	کشور ما را پر از آوازه کرد

(شبنم‌های شبانه، ص ۱۲ و ۱۳)

در بسیاری از مثنوی‌ها، شاعر به روایت زندگی اهل بیت (ع)، فضایل و کرامات آنها و ذکر داستان‌های مذهبی و دینی اهتمام نموده است. علاوه بر اشعار پراکنده موجود در دفترهای شعری با چنین مضامینی، دفتر شعر مجزایی هم به این امر اختصاص دارد؛ به عنوان مثال مثنوی‌های «ردپای آب»، «برابر دریا» در مدح حضرت زهرا (ع)، «انفجار نیل» در نعت علی (ع)، «داغ گل سرخ» و «وداع آفتاب»، در توصیف شهادت فاطمه (ع) و «انعکاس ابر» و «تکلم تاریخ» درباره کربلا و امام حسین (ع) است که در مجموعه شعری «شبنم‌های شبانه» نقل شده است و تمام

۱- بسیاری از اشعار عزیزی به صورت تکراری در چند کتاب آورده شده است؛ به عنوان مثال بسیاری از غزل‌های وی در مجموعه‌های شعری مجزایی چون غزالستان، ملکوت تکلم، قوس غزل و روستای فطرت تکرار شده است.

۲- وی حتی مصرع‌هایی از شاعران مذکور را تضمین و نقل کرده است؛ به عنوان مثال در مثنوی طبل طوفان:

مدتی این مثنوی تاخیر شد      روبه چشم انتظاری شیر شد  
(ملکوت تکلم، ص ۵۹۵)

دفتر شعر «عطر گل یاس» به زندگانی حضرت زهرا(ع) و واقعه عاشورا اختصاص دارد و ابیات نخست بسیاری از این مثنوی‌ها نیز با عبارت نقل و روایت همراه است:

نقل آمد فاطمه بنت هدی      که مرا محبوبه می‌خواند خدا

(شبنم‌های شبانه، ص ۸۵)

نقل آمد روز عاشورا حسین      دید چون افغان طفلان را به عین

(شبنم‌های شبانه، ص ۱۲۷)

غزل: عزیزی در غزل، سرودن به شیوه سبک هندی را به خوبی تجربه کرده است، وی در انعکاس خصوصیات مختلف سبک هندی در غزلیاتش ذوق آزمایشی نموده و نقش‌های زیبای زیادی نیز آفریده است. ارزش ادبی و هنری غزل‌های او یکسان نیست، حتی در یک غزل قوی و سرشار از تصاویر شعری، ابیات بسیار سستی هم به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال در غزلی زیبا با مطلع

طبعم از ذوق تو شیرینی محصل کرده است      مشکل ما را لبان حسرت حل کرده است

بیت ضعیف زیر با کلمات و تصاویر غیر ادبی نیز وجود دارد:

در مشنگی خانه ارباب حیرت، بنده نیز      آن ول بالابلندم ول معطل کرده است

(ملکوت تکلم، ص ۷۳۸)

عزیزی در غزل گویی به شعر مولانا نیز نظر داشته و برخی از غزل‌هایش را هر چند خالی از شور و هیجان، به تقلید از او سروده است:

که به آن قمر بگوید که مرا به خواب آید      چه شود به ظلمتستان، شبی آفتاب آید

(قوس غزل، ص ۶۹)

در کتاب غزالستان، شاعر به استقبال غزل‌های حافظ رفته است و سعی نموده از نظر زبان، الفاظ، اصطلاحات، سبک و مضمون از او تبعیت نماید و خود را به حریم وی نزدیک سازد؛ وی حتی در انتخاب ردیف‌ها و اوزان شعری نیز به شدت تحت تاثیر خواجه شیراز بوده است؛ به عنوان مثال در غزل‌هایی با مطلع نمی‌برد می‌گلگون حرارت ما را (بحر مجتث مثنی‌مخبون اصلم) // بس که از سوز دل پروانه سوزانم چو شمع (رمل مثنی‌محدوف) // باز از شوق گل انداخته‌ای یعنی چه؟ (رمل مثنی‌مخبون اصلم) // افتاده‌ام آینه وش از عشق حیران شما (رجز مثنی‌سالم) // جان بی هوس جانان، دل بی تب و تاب اولی (هزج مثنی‌اخر) و ... تقلید از برخی غزلیات حافظ گهگاه با ضعف و سستی کلام و معنا همراه بوده است:

خوشا تهران و طرف لاله زارش      که پر گل شد خیابان بهارش

به تجریش آی و باغات دزاشیب      بسر فیض بهشت از جویبارش...

(غزالستان، ص ۷۸)

هر چند بازسازی عمارت کمال یافته و بی عیب، حتی از نو بنا نهادن بنایی به تقلید از قصری که رفعتش را همگان در اوج خود می‌بینند، -آنهم توسط معماری که هنوز در گستره شعر، اطمینان همعصرانش را به طور کامل جلب نکرده است، کاری بس مشکل و جسارتی بسیار می‌نماید، اما عزیزی برای ارضای غزلگویی و استقبال از شاعر محبوب خود، خطر نقد و انتقاد و سرزنش را بر خود محتمل نموده است.

شعر نو: عزیزی در شعر نو از سبک هندی فاصله می‌گیرد، شعرش از صمیمیت، سادگی، روانی، جوشش شعری و تعالی بیشتری بر خوردار می‌گردد و اغلب ویژگی‌های سبک هندی را می‌توان به صورت تلطیف شده در سروده‌های او مشاهده نمود:

بیا با خود بیندیشیم // اگر روزی تمام جاده‌های عشق را بستند // اگر یکسال چندین فصل، برف بی کسی بارید //

اگر یخ زد تمام واژه‌های مهربان ما // اگر یک روز زشتی از کنار چشمه غیبش زد // اگر یک شب شقایق مرد // تکلیف شهادت چیست؟ (باران پروانه، ص ۱۰)

شاید تلاش افزون تر شاعر در حوزه شعر نو می‌توانست وی را در سرودن اشعار موفق و پر تصویر یاری کند و در عرصه شعر نو نیز او را صاحب نام و رتبت نماید؛ اما عزیزی در این قالب راه چندانی نپیموده و همت زیادی صرف نکرده است.

نثر: عزیزی علاوه بر شعر که سبب شهرت ادبی اش گشته است، گهگاه در نثر نویسی نیز قریحه خویش را آزموده و در صدد اخذ معانی دورتری نسبت به اشعارش بوده است. هرچند آثار منثور وی، نسبت به دفترهای شعرش حجم بسیار کم تری دارد، متضمن معانی غریب تر و آشنایی زدایی افزون تری است. با توجه به قید قافیه، ردیف، وزن، عروض و قالب شعر که محدودیت‌ها و موانعی در بیان ذهنیات شاعر پدید می‌آورد، عزیزی در نثر با آزادی و آرامش بیشتری به بیان اندیشه‌های خویش می‌پردازد. وی با آگاهی از عادت ستیزی کلامش و با اطلاع از سخنان پریشان نمای خود، بر آثار منثور خویش، اغلب نام شطح می‌نهد<sup>۱</sup> و پیشاپیش اعتراض و انتقاد پاره‌ای از ادبا و صاحبان ذوق و هنر را با اعتراف به گزافه‌نمایی سخنانش پاسخ می‌دهد و خاطرش را از تحمل تازیانه‌های نقد و خرده‌گیری دیگران، آسوده و برکنار می‌دارد.

التقاط معانی بیگانه که موجد صبغه سوررئالیستی در نثر می‌شود و استفاده از لغات و اصطلاحات و عبارات عامیانه و روزمره از مهمترین ویژگی‌های نثرش، محسوب می‌شوند. عزیزی در نثر، به مضامینی چون مدح اهل بیت (ع) و توصیف فضیلت‌های آنان و تکریم انقلاب اسلامی و سردمداران آن که از مضامین اصلی اشعارش هستند، نپرداخته است.

### ویژگی‌های سبک هندی در آثار احمد عزیزی:

#### مضمون‌پردازی و ایجاد مضامین نو:

تلاش فراوان شاعران سبک هندی در یافتن مضامین نو و دیر یاب به کمک عناصر خیال، در آثار عزیزی نیز تاثیر نهاده است و شاعر معاصر را به کوشش برای استخراج مضمون، با کمک تخیل قوی و حافظه سرشارش سوق داده است و عزیزی با مطالعه دقیق آثار شاعران سبک هندی، در این مورد نیز به خوبی از عهده مضمون‌سازی به ویژه در غزل برآمده است و خود نیز به این نکته اشاره نموده است:

سایه سار معنی ما وهم دریا می‌دهد      شاعران از بس که در ما صید مضمون کرده‌اند

(قوس غزل، ص ۱۵)

بس که غاراندیشه بیغول‌های عزلتم      مشق خلوت جرات فریاد را از من گرفت

(روستای فطرت، ۵۸)

حبابی بیش نمودیم در بحر      هوایت هر چه در سر بود ما را

(قوس غزل، ص ۴۱)

تعجب سنج میزانم، قیامت بهت فردا را      از آن خنجرنشان ابرو که دارد محشر خون‌ها

(روستای فطرت، ص ۲۹)

۱- پاره‌ای از ابیات وی نیز به ادعای نادرست و گاه گزافه شبیه است:: طور تجلی در تنم، تیه تحیر دامنم موسی شبانی می‌کند در سینه سینیای من (غزلسنتان، ص ۱۱۹) // خدا چون ابر بارانی کریم است خدا مثل شقایق‌ها قدیم است (خوابنامه و باغ تناسخ، ص ۳۲)

از ریاضت گوشه‌گیر ابروی جانان شدم  
مثل خال یار، دائم جای من کنج لب است  
(غزستان، ص ۲۵)

معانی دور از ذهن به همراه ایجاز، حس آمیزی و انحراف از زبان معیار جستجوی معانی بیگانه که گاه اشعار گنگ، غبارآلود و غریبی پدید آورده است، از بارزترین مشخصات سبک هندی است (شمس لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۶۹). این ویژگی بر خلاف انعکاس ضعیف در شعر عزیزی<sup>۱</sup>، نمود بسیار فراوان و همه فهمی در نثر او دارد. استخراج معانی نامانوس و اندیشه‌های دور از ذهن، با حذف بسیاری از توضیحات و رابطه‌های موجود در تصاویر مبتنی بر تشبیه، مجاز و استعاره، برجسته‌ترین ویژگی سبک هندی است که در آثار منتور شاعر از جمله نافله ناز، ترجمه زخم، رودخانه دریا، شطح فلسفی، شطحی برای زندگی و ... به طور عمیق و گاه آگاهانه، افراطی و تصنعی خودنمایی می‌کند:

من مشامم پر از خبرهای سرخی است... این روزها مشتم پر از گیسوی تخیل است و نبضم مثل ساعت آفتابگردان می‌زند... برایم فلسفه بجوشان، برایم عرفان بریز، برایم دانش پهن کن، برایم آینه بینداز، برایم تفسیر بپز، برایم تشبیه بشوی، برایم تنزیه بمال (رودخانه دریا، ص ۹ و ۹۲)؛

مردم در بازسازی تفسیر شرکت کنند. مردم در جشن بعثت پرنندگان شرکت کنند. هرکس متقاضی ملکوت باشد، بلیط عبادت بگیرد. مردم در تورهای شش روزه آفرینش شرکت کنند... هر چه جیبم را گشتم، دست‌های تو را پیدا نکردم (ترجمه زخم، ص ۱۰۳ و ۱۳۹)

#### پارادوکس:

تعابیر و تصاویر متناقض نما در سراسر آثار عزیزی، به ویژه در غزل هایش قابل استخراج است؛ به عنوان مثال عنوان شعری «هیچکسستان» در کتاب ملکوت تکلم (ص ۲۲۱)، تصویر پارادوکسیکال است؛ «ستان» پسوند مکانی برای هیچ کس که دارای مکان نیست، قرار گرفته است و یا صفت «بی نمازستان» در ترکیب وصفی خاک بی‌نمازستان (باران پروانه، ص ۱۰۱)؛ عزیزی با قرار دادن صفتی نامانوس و نامناسب برای برخی کلمات، تصاویر نامتعارفی نیز پدید آورده است؛ به عنوان مثال، طاعون قشنگ، صرع مقدس، جذام زیبا (ترجمه زخم، ص ۱۵۱)؛ جملات متناقض نما نیز در سراسر آثار عزیزی به وضوح قابل رویت است:

بی کدامین‌ترین کدامی تو؟ (باران پروانه، ص ۱۰۳)  
آفتابی بود در چشمش که آبم کرد و رفت (روستای فطرت، ص ۶۳)

تو در عینی که در نزدیکی ذهن منی، دوری (باران پروانه ص ۷)

جاده بی جدگی ما کجاست (ملکوت تکلم، ص ۳۷)

استفاده از الفاظ، اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات عامیانه و روز مره جامعه و کلمات غیر شاعرانه:

به نظر صاحب نظران ادبیات، این خصوصیت گر چه موجب سستی اشعار بسیاری از شاعران سبک هندی شده است و ارزش ادبی شعر بیشتر آنان را تا حد فراوانی پایین آورده، از سوی دیگر مفید فوایدی نیز بوده است؛ از جمله بارور نمودن زبان و ادبیات فارسی، رفع نقیصه پیچیدگی و تعقید و نفوذ شعر در جامعه (خاتمی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۹). ویژگی مورد بحث، جدا از عیب و حسنش، به طور واضح و پراکنده در تمام آثار شاعر، به ویژه در نثرش قابل مشاهده است؛ به کمک واژگان و عبارات روزمره، تجربه‌های عینی انسان معاصر به تصویر کشیده می‌شود و حضور پررنگ پدیده‌های پیرامون زندگی شاعر در شعر عزیزی، مانند شعر بسیاری از شاعران معاصر احساس می‌گردد:

بیا وقتی برای عشق هورا می‌کشد احساس، به روی اجتماع بغض حسرت، گاز اشک‌آور بیاندازیم (باران پروانه ص ۱۰)

۱- ما تناسخ زاده صحرای سرخ غمزه‌ایم هر چه شمشیر تو ما را کشت ما باز آمدیم (فوس غزل، ص ۳۱)  
سیر صحرای تغافل جز غبار سرمه نیست از جنون برگشته‌ایم اما شکار ما چه شد (ملکوت تکلم، ص ۷۴۸)

چرا در اقتصاد راکد احساس این مکاره بازان، صداقت نیز دلالی است؟ (باران پروانه ص ۹)  
 یکهو دیدی کامیون کبریا از رو برو آمد... یکهو دیدی در تنگه هر مز تنهایی ترمز بریده‌ای (رودخانه دریا، ص ۱۱)  
 تمام پدیده‌ها برای هم غش می‌روند... از اتوبوس خط و خالت جا مانده‌ام... پتوی کودکی‌ام زیر باران تعطیلی  
 هاست (ترجمه زخم، ص ۹ و ۱۳۱)

گسترده‌گی تشبیهات و استعارات تازه و غیر تکراری و تشخیص:  
 وسعت عناصر خیال اعم از تشبیهات و استعارات نو و حضور پررنگ صنعت تشخیص یکی از مهم‌ترین  
 خصوصیت‌های آثار عزیزی است که در نام دفترهای شعری، عنوان مثنوی‌ها و سراسر شعر و نثر او تجلی یافته  
 است:

عنوان مجموعه‌های شعری چون شرحی آواز، روستای فطرت، کفش‌های مکاشفه، باران پروانه، باغ تناسخ، عطر  
 گل یاس، ملکوت تکلم، طغیان ترانه، قوس غزل و عنوان تالیفات منثور عزیزی مانند نافله ناز، ترجمه زخم، رودخانه  
 دریا، موید این نکته است که وی آگاهانه به گسترش عناصر خیال انگیزی در آثار خود می‌اندیشد و آن را به عنوان  
 یک اصل برای اثر هنری لازم می‌داند. عنوان بسیاری از مثنوی‌های وی نیز بر پایه تشبیه و استعاره بنا نهاده شده  
 است: به عنوان مثال مثنوی‌های سرفه استعاره، تعمید نیلوفر، بوسه انگور و شبنم شوق در دفتر شعری «باران پروانه» و  
 مثنوی‌های سر مه گفتار، زارع نیت، رستاخیز رنگ، ملکه مژگان، دفتر صحرا، آینه باکره، نوبر آبله، کباب لاله، سوغات  
 عدم، غسل انگور، ابر خداحافظی، طاووس تغزل، عرق نسترن، بغض بهار، طبل طوفان و ... در مجموعه شعری  
 «ملکوت تکلم» همه دارای تصاویر تازه و زیبا هستند.

#### ابداع ترکیبات نو:

ساخت واژگان و ترکیبات نو که از خصوصیات شعر برخی شاعران سبک عراقی از جمله کمال الدین اسماعیل،  
 نظامی گنجوی و خاقانی و بیشتر به سبب بسامد زیاد آن یکی از مختصات سبک هندی به شمار می‌آید، در گسترش  
 و غنای زبان و ادبیات فارسی مفید و حتی لازم به نظر می‌رسد. عزیزی به شیوه شاعران سبک هندی، تلاش فراوان  
 برای آفرینش ترکیب‌های تازه و بکر به خرج می‌دهد و در این امر موفقیت‌هایی نیز کسب نموده است:

دختران شرم در شبنم زده  
 آن زنان ساکت مـیریم زده  
 (کفش‌های مکاشفه، ص ۵)

داغ این لیلانگهان ز آهوزاده چشم  
 دست ما را کاسه یک مشت مجنون کرده اند

(ملکوت تکلم، ص ۷۲۹)

تا صدف‌های تو را صافی کنم  
 وز لبانت نی لبک بانی کنم

(کفش‌های مکاشفه، ص ۷)

غرق فردانیت بت پیشگی‌های خودم (روستای فطرت، ۵۷)

آه این نرگس نگاهان ستمگر را ببین (قوس غزل، ص ۱۲)

شد خموشی حائل نازک پریشی‌های من (روستای فطرت، ص ۵۹)

با یاد سروش می‌شدم حیرت چمان آرزو (ملکوت تکلم، ص ۷۴۴)

ذهن صحراپیشگان از طرح شبنم عار داشت (روستای فطرت، ص ۵۰)

#### کاربرد لغات پر بسامد در سبک هندی:

واژگان پر بسامد سبک هندی، از جمله آینه، حیران، حسرت، حیرت و حباب در آثار عزیزی نیز به ویژه شعر او،  
 دارای بسامد بالا هستند؛

اول ز عکس جلوه‌اش مدهوش حیرانی شدم  
 آن گه به گرد حسن او آینه گردان آمدم...

هم صورتش آینه‌ام، هم حیرتش در سینه‌ام  
من کیستم من کیستم کاین گونه حیران آمدم  
(قوس غزل، ص ۲۸)

به حسرت آغشته پر و بالی گشوده‌ام در هوای حیرت  
چه باده رنگی در این گلستان توان کشیدن به جای حیرت  
(روستای فطرت، ص ۴۹)

در این آینه حیرانیم عمریست (غزالتان، ص ۸)  
من گلویم در قفس حسرت کش آواز ماند (روستای فطرت، ص ۹۷)

چرا از تیغ موجش سر بدزدم  
حبابم من سرم بحر نثارست  
(قوس غزل، ص ۴۵)

### بازی با کلمات:

سود جستن از اضلاع معنوی یک واژه یا اصطلاح و استخراج شیطنت آمیز و گاه دلنشین یک مضمون از این بازی، موجد نوعی قالب تفنن ادبی و طنزآلود شده است که پیشینیان به آن کاریکلماتور گفته اند و یکی از ویژگی‌های مهم سبک هندی است (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۴۷). احمد عزیزی، گهگاه در نظم و نثر (به خصوص در کتاب واژه نامه ابدی)، با کمک صنایع ادبی چون انواع ایهام و استفاده از ظرفیت‌های معنایی مختلف واژگان، به بازی با کلمات پرداخته است:

سالگرد رحلت خورشید شد  
باز روز امتحان تجدید شد  
(ملکوت تکلم، ص ۶۹۱)

با طلاق، عقد برادری ببندید (ترجمه زخم، ص ۱۴۵)  
اطلاعیه: مهم‌ترین صادرات بانک صادرات // برزن: کوچه مونث // برج: پارک ستارگان // برگ: معشر دائمی  
کوبیده... (واژه نامه ابدی، صص ۶۷، ۱۰۷ و ۱۰۹)

### تک بیت‌های مستقل

بسیاری از ابیات عزیزی، به ویژه با محتوای انتقادی و اجتماعی، قابلیت از بر شدن، برای استفاده در موقعیت‌های گوناگون را داراست که می‌تواند «در توضیح مقال گوینده و اثبات یا تعلیل یا توجیه آن به کار رود» (صفا، ۱۳۷۳، ص ۵۲۲):

نباشد پینه دوزی در عبادت  
مسوزان، داغ پیشانی دروغ است  
(روستای فطرت، ص ۴۰)

یا به تیغی سرسپردن یا به داری برشدن  
عاشقان این رسم را در عشق قانون کرده اند  
(قوس غزل، ص ۱۵)

### ضعف تألیف و بی توجهی به دقایق دستوری زبان:

در سبک هندی، به سبب ورود شعر به عرصه اجتماع و روی آوردن عوام به شعر و شاعری، نکات دستوری، با وسواس و دقت رعایت نشد و ابیات فراوانی دارای ضعف تألیف در دیوان‌های شعری ثبت شد. شعر عزیزی در این ویژگی نیز با سبک هندی مطابقت دارد:

مرا برخیز... مرا بشنو... که می‌خواهد شقایق را بدوشاند (باران پروانه ص ۱۲ و ۱۳)  
گل دمید و خون نجوشیدیم ما (عطر گل یاس، ص ۱۹)  
از بس که ابر عشوه ات آب ملاحه می‌چکد (قوس غزل، ص ۶)  
با توجه به فعل «می‌چکد» در معنی متعدی، «ز» در این مصرع به جای «که» صحیح‌تر و مناسب‌تر می‌نماید.



### کاربرد بحرهای طولانی در غزل

برخلاف مثنوی‌های عزیزی که اغلب دارای اوزان کوتاه از جمله رمل مسدس، سریع، هزج مسدس و بحرهای مسدس دیگر هستند، اوزان انتخابی غزل‌های وی هم از تنوع بیشتری برخوردار است و هم گهگاه طولانی است؛ به عنوان مثال شاعر از بحرهای رمل مثنی و هزج مثنی و مجتث و مضارع و حتی بحر غریق مثنی (۴ بار مفاعلاتن) یا بحر متقارب مقبوض اثلث (۴ بار فاعول فع لن) نیز بهره گرفته است:

مطاف خوبان کند در عالم نفیر عشقت مزار ما را      اگر نسیم عدم براند به خاک پایت غبار ما را  
(روستای فطرت، ص ۵)

### مختصات دستوری و زبانی سبک هندی:

تمام ویژگی‌های دستوری سبک هندی، کم و بیش در آثار عزیزی قابل کشف و مشاهده است؛ به عنوان مثال استفاده فراوان از مصدرهای جعلی، استفاده فراوان از پسوندهای مکانی «آباد»، «ستان» و «زار» در غیر از کاربرد مستعمل آن (مثلاً برای اسم‌های معنا)، پسوند شباهت «وار»، استفاده فراوان از «بس که» و کاربرد نامعمول عدد و معدود و وابسته‌های عددی<sup>۱</sup> در آثار عزیزی به خصوص در غزل‌هایش دیده می‌شود:

این جواب آن غزل کامل که یوسف گفته بود      گرچه منع دیدنست آن مو پریشیدن مرا  
(روستای فطرت، ص ۱۰)

زین بهارآباد خون وقت است کوچیدن مرا (روستای فطرت، ص ۹)

ساکن آنسو ترستان‌ها منم  
(کفش‌های مکاشفه، ص ۸)

کوچزاد دیگرستان‌ها منم

خمش غوغای چنگستان دل ما  
(روستای فطرت، ص ۲۱۹)

نوا پیرای تنگستان دل ما

حیرت آینه در پرواز ما پر می‌شود  
(قوس غزل، ص ۱۰)

تا به منزلگاه صورت تا به معنزار لفظ

عالم رویش سوال زار معماست (روستای فطرت، ص ۳۵)

طبع ما آینه واران را قلندر کرده‌اند  
(قوس غزل، ص ۱۳)

منکر تصویر زخم جان رندی نیستیم

کاهنان از حیرت ما کشف افیون کرده‌اند  
(ملکوت تکلم، ص ۷۲۹)

بس که دل را با تپش‌های جنون خون کرده‌اند

جرم یک لب غنچه گل در باغ خندیدن مرا  
(قوس غزل، ص ۳۴۹)

ناخنی دارم که بوی صد هوا شیون گرفت

در سکوت بیشه خود صد نیستان ناله ایم؛ یک پرده خون چو لاله از این چمن برون آ (روستای فطرت، ص ۲۴، ۱۴)

### نتیجه‌گیری:

کاربرد چشمگیر عنصر خیال به ویژه تشخیص، التقاط معانی بیگانه و دور از ذهن با استعارات و تشبیهات غریب، ابداع مضامین نایاب ناشی از باریک‌اندیشی‌های شاعرانه، تصاویر پارادکسی، خلق ترکیبات تازه و

۱- مثلاً صد دشت مجنون، یک آینه حیرت، یک افتادگی زنجیر، نیم تپش بال افشاندن و ... در این باره در کتاب شاعر آینه‌ها، مطالب مفصلی با ذکر شواهد آمده است: (شفیعی، ۱۳۷۱، ص ۴۵-۵۳)

۲- تصویر پارادکسی «خمش غوغا» نیز قابل توجه است.

۳- در این غزل واژه‌های درنگستان، رنگستان، نهنگستان، سنگستان، ملنگستان، بنگستان و شرنگستان نیز آمده است.

غیرتکراری، استقلال معنوی جملات و ابیات با رعایت ایجاز، استفاده از الفاظ و اصطلاحات عامیانه، کاربرد واژگان پربسامد سبک هندی و مهمتر از همه آشنایی زدایی و هنجارگریزی زبانی با نگرش سوررئالیستی از مهمترین مختصات شعر و نثر احمد عزیزی است که قبل از وی در آثار شاعران سبک هندی نمودار گشته است. ضمن آنکه مختصات دستوری سبک هندی نیز به خوبی در آثار عزیزی قابل استخراج است. عزیزی کم و بیش در آثارش، خواه ناخواه، تحت تاثیر شیوه سخن پردازی شاعران سبک هندی از جمله صائب و بیدل قرار گرفته است. این امر در غزل‌های او به نسبت مثنوی‌ها، اشعار نو و چارپاره‌هایش انعکاس برجسته تری دارد. وی در سرودن مثنوی بیشتر به سبک عراقی نظر داشته است و در نثر نیز دو ویژگی مهم سبک هندی از جمله اخذ معانی غریب و دور از ذهن و استفاده افراطی از لغات، اصطلاحات و عبارات روزمره را در نظر داشته است. برخی از مختصات اصلی سبک هندی از جمله تکرار قافیه، انتخاب ردیف‌های دشوار و طولانی، توجه به خرافات، حسن تعلیل، تمثیل و اسلوب معادله<sup>۱</sup> در شعر عزیزی مجال بروز نیافته است.

### فهرست منابع:

- ۱- حسینی، حسن، *بیدل، سپهری و سبک هندی*، چاپ دوم، تهران، سروش، ۱۳۷۶
- ۲- خاتمی، احمد، *پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت ادبی*، چاپ اول، تهران، بهارستان، ۱۳۷۱
- ۳- شفیع کدکنی، محمدرضا، *شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)*، چاپ سوم، تهران، آگاه، ۱۳۷۱
- ۴- شمس لنگرودی، محمد، *سبک هندی و کلیم کاشانی (گردباد شور جنون)*، چاپ سوم، ویرایش دوم، تهران، مرکز، ۱۳۷۲
- ۵- صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد پنجم، بخش اول، چاپ نهم، تهران، فردوس، ۱۳۷۳
- ۶- عزیزی، احمد، *شطحی برای زندگی*، چاپ اول، تهران، نشر تکا، ۱۳۸۸
- ۷- عزیزی، احمد، *باران پروانه*، چاپ اول، تهران، برگ، ۱۳۷۱
- ۸- عزیزی، احمد، *ترانه‌های ایلیایی*، چاپ اول، تهران، کیهان، ۱۳۷۲
- ۹- عزیزی، احمد، *ترجمه زخم*، چاپ اول، تهران، روزنه، ۱۳۷۰
- ۱۰- عزیزی، احمد، *خواب میخک*، چاپ دوم، تهران، تکا، ۱۳۸۷
- ۱۱- عزیزی، احمد، *خوابنامه و باغ تناسخ*، چاپ اول، تهران، برگ، ۱۳۷۱
- ۱۲- عزیزی، احمد، *رودخانه دریا*، چاپ اول، تهران، برگ، ۱۳۷۱
- ۱۳- عزیزی، احمد، *روستای فطرت*، چاپ اول، تهران، برگ، ۱۳۶۸
- ۱۴- عزیزی، احمد، *شبنم‌های شبانه*، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی اباصالح-حیان، ۱۳۸۲
- ۱۵- عزیزی، احمد، *شرجی آواز*، چاپ اول، تهران، برگ، ۱۳۶۸
- ۱۶- عزیزی، احمد، *شطح فلسفی*، اول تهران، روزنه، ۱۳۷۵
- ۱۷- عزیزی، احمد، *طغیان ترانه*، چاپ اول، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۸۷
- ۱۸- عزیزی، احمد، *عطر گل یاس*، چاپ اول، تهران، ناطور، ۱۳۷۲
- ۱۹- عزیزی، احمد، *غزالستان*، چاپ اول، تهران، روزنه، ۱۳۷۵
- ۲۰- عزیزی، احمد، *قوس غزل*، چاپ اول، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۸۶
- ۲۱- عزیزی، احمد، *کفش‌های مکاشفه*، چاپ دوم، تهران، الهدی، ۱۳۶۹
- ۲۲- عزیزی، احمد، *ملکوت تکلم*، چاپ اول تهران، روزنه، ۱۳۷۲
- ۲۳- عزیزی، احمد، *نافله ناز (شطحیات)*، چاپ اول، تهران، برگ، ۱۳۶۸
- ۲۴- عزیزی، احمد، *واژه نامه ابدی*، اول تهران، روزنه، ۱۳۷۵

۱- صنعت ادبی حسن تعلیل و اسلوب معادله به ندرت در اشعار عزیزی دیده می‌شود:

از تواضع رخ مگردان زآن که در طی طریق آفتابی نیست کو با سایه ای همراه نیست (غزالستان، ص ۳۱)